

یاهو های ۲۰ سال تاریخ دررفته



هرکس کمترین آشنایی با صحنه سیاسی ایران داشته باشد، به روشنی میداند که اولین نگرانی و مهمترین هم و غم آخوندهای حاکم، حفظ موجودیت رژیم ضدبشریشان و مقابله همه جانبه با مجاهدین و مقاومت ایران به عنوان دشمن اصلی و تنها هم‌اورد و نیروی سرنگون کننده خود می باشد.

یک وجه از این مقابله، جنگ سیاسی-تبلیغاتی در کادر دجالگری ویژه این رژیم است و همچنان که ابعاد سرکوب و شقاوت و وحشیگری این رژیم، رکورد همه دیکتاتوریه‌های سرکوبگر را پشت سر گذاشته، در صحنه جنگ سیاسی و تبلیغاتی هم، به ویژه بر ضد دشمن اصلی خود، گوی سبقت را در دروغپردازی و هرزه درایی و لجن پراکنی، از تمامی همگنان تاریخی و معاصر خود ربوده است.

کما اینکه ابزارهای این جنگ را هم در قیاس با رقبای بسیار تنوع بخشیده؛ تا حدی که علاوه بر به کارگیری کلیه تجهیزات و وسایل سنتی و مدرن و مضافاً بر کلیه ارگانها و مقامات و عوامل نام و نشان دار رسمی حکومتی، از صدر تا ذیل رژیم و...، مشتی مزدور و پادوی مأمور به خدمت درخارجه با ماسک «مخالف رژیم و منتقد مجاهدین» هم به کار گرفته است.

این قماش مأموران خارجه نشین یا اعزام شده به خارجه، تقریباً سه دهه است، به تناوب یا به طور ثابت، مشغول خدمت و خوش خدمتی در جبهه ولایت هستند. مأموریتشان هم از ۳۰ سال پیش به این سو، شیطان سازی از مجاهدین، به منظور توجیه و زمینه سازی برای سرکوب و کشتار آنها و مقصر و مسئول جلوه دادن خود آنها، یعنی عوض کردن جای جلا و قربانی و ایجاد مزاحمت برای مبارزه شان علیه رژیم می باشد.

رژیم و گشتاپوی آخوندی از این کارزار هدف سیاسی مشخصی را دنبال کرده و میکند که همانا دفاع از موجودیت و بقای حاکمیت ننگین خود، با فرمول «مجاهدین بدتر از این رژیم» یا «بقای این رژیم مرجح بر روی کار آمدن مجاهدین» می باشد.

این هدف سیاسی ثابت، شکل و محتوای مشابه و یکسانی به کارزار شیطان سازی رژیم علیه مجاهدین داده که رمز تکراری بودن تمامی لجن پراکنیهای رژیم و مزدوران گمنام و بدنام آن، منجمله مأموران «مخالف» نمای خارجه نشین آن، در این سه دهه است.

از همین روست که بازنویسی یا بازنشخوار هزاران باره دعاوی و اتهامات گشتاپوی آخوندی، با هر رنگ و لعابی، ولو فریبکارانه تر از فرمول «۸۰-۲۰»، و با زبان و قلم یا نام هر عاملی، ولو با هفت قلم آرایش «اپوزیسیون نمایانه»، از فرسنگها فاصله، سرنخ خود را در باغ مهران در خیابان پاسداران آدرس میدهد.

پناهندگان سیاسی و بسیاری از هموطنانی که از سالهای دهه ۶۰ و ۷۰ یعنی از ۲۰-۳۰ سال قبل در خارج اقامت داشته اند، به یاد دارند که از همان دوران، هفته نامه کیهان هوایی رژیم که برای توزیع در خارج کشور تولید و منتشر میشد و خط و ربط سیاسی و تبلیغاتی آن را وزارت اطلاعات تعیین میکرد، و همچنین یک روزی نامه فارسی زبان دیگر که گرداننده و بخش قابل توجهی از صفحاتش به اجاره اطلاعات آخوندی درآمده بود، هر شماره این دو نشریه، مملو از دروغپردازیهها و هرزه دراییهای اطلاعات آخوندی به نام یا به قلم مزدوران بدنامی از قبیل سعید شاهسوندی شاگرد جلال اوین، شمس حائری، کریم حقی، نادره افشاری، گیلانی و... بود.

اراجیفی مشابه لجن پراکنیها و هرزه دراییهایی که سالهای بعد، به خصوص طی یکسال اخیر توسط مزدوران خودفروخته و همپالکیهای خارج کشوری مزدور جنایتکار مسعود دلیلی بازنویسی و بازنشخوار شده است. مزدورانی که اغلب قریب به اتفاق آنها توسط مقاومت افشا و سوابق و کارنامه مزدوری شان برای رژیم آخوندی در رسانه های مجاهدین و مقاومت منتشر شده بود.

به عنوان نمونه، ذیلا "متن یکی از این روشنگریها را که مربوط به ۲۱ سال قبل است و در مجاهد شماره ۲۹۹ مورخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۲ منتشر شده، از نظرتان میگذرد. در این افشاگری، بخشی از اتهامات و لجن پراکنیهای گشتاپوی آخوندی علیه مجاهدین به نقل از کیهان هوایی و به نام مزدورانی نظیر شمس حائری ردیف شده است. در همین مطلب، اسامی شماری دیگر از مزدوران و پاسداران خارج کشوری رژیم که قبلا "افشا شده بودند، ذکر گردیده است. مروری بر این مطلب و اسامی مزدوران افشا شده در آن که یکی از آنها از جمله کمال رفعت صفایی است، که بعد از گذشت ۲۰ سال از مرگش حالا وزارت اطلاعات در حضيض استیصال و درماندگی در مواجهه با مجاهدین و شکست در استخدام مأمورین تازه نفس! برای شبکه برون مرزی «مخالفین رژیم و منتقدین مجاهدین»، وابسته به معاونت نفاق در این وزارتخانه است، آنهم به رغم تلاشهای بی وقفه مزدورانی از قماش توابع تشنه به خون و مأمور مستعمل (مصدیقی) که یکی از مأموریتها و اشتغالات حرفه یی شان شکار طعمه جدید برای کارزار گشتاپوی آخوندی علیه مجاهدین بوده است،

به خاطر همین کساد بازار شکار طعمه است که وزارت بدنام ناگزیر از علم کردن مرده های ۲۰ کفن پوسانده یا بازیافت مزدوران سالها از دور مصرف خارج شده، به عنوان شکارهای تازه گردیده است. حال آنکه مضافاً بر

فلاکت ساواک آخوندی و بازنشخوار یاهوهای پیشین

۵ماه پس از روشننگری انجمن هواداران مجاهدین در آمستردام راجع به خیانت و مزدوری حائری و ارتباطات او با مأموران و شاگردجلادان دشمن ضدبشری، ساواک آخوندی پرده را کنار زده و به شرحی که در ارگان خارج کشوری وزارت اطلاعات رژیم (کیهان هوایی) دیده می‌شود، به بازنشخوار یاهوهای پیشین علیه مجاهدین، منتها از زبان مزدور جدیدالاستخدام، می‌پردازد.

راستی که لجن‌پراکنی آخوندی در هر پوششی که ارائه شود، به‌سادگی قابل تشخیص است. حتی اگر دجالگرانه، با الفاظ تند و تیز و مخالف‌خوانی علیه رژیم، رنگ و لعاب داده شده باشد. و حتی اگر «به قلم یکی از اعضای سابق مجاهدین خلق» عرضه شود و یا تحت عنوان «راه موسی» و «راه حنیف» و «پیشمرگان مجاهد خلق» از سفارتخانه‌ها و لانه‌های ترور و جاسوسی دشمن پلید پست شود. زیرا گدهای مشترکی که بیش از یک دهه تکرار و فرسوده شده و یا همخوانی با لجن‌پراکنیهای یومیّه رسانه‌های آخوندی علیه مجاهدین، آن قدر در آنها زیاد است که همه پوششها و کلاههای شرعی و ترفندهای آخوندی و ردگم‌کنی‌ها را کنار می‌زند و دست ارتجاع و چنگال دژخیم را به‌وضوح در کانون همه لاطائلات نشان می‌دهد.

فی‌المثل آن‌جا که در لجن‌نامه معرفی شده توسط ارگان ساواک آخوندی، بریده‌مزدور جدیدالاستخدام(حائری) می‌نویسد(یا نویسانیده! می‌شود):

- «با راهپیمایی ۳۰ خرداد سازمان وارد فاز نظامی گردید، اما بدون آن‌که از قبل تدارک آن‌را دیده باشد. و... این اولین خیانت و بی‌کفایتی رجوی بود.»

- «سازمان... به شکل زائده‌یی از ارتش صدام به انتظار معجزه مرزها نشست... اعتماد مردم از آن سلب شده و به مرور یاد و نام مجاهدین از اذهان زدوده و به خاطره تبدیل گردید.»

- «ابداع دیپلوماسی گدایی و سرکج کردن پیش دولتهای امپریالیستی و فرستادن هیأت‌های التماس به پارلمانهای اروپایی»

- «تشکیل شورای ملی مقاومت که در واقع تمامی اعضای آن اجیر سازمان... هستند»

- «تجاوز به حریم خانوادگی و زناشویی»

- «انقلاب در سکس و زن‌بازی» تحت عنوان انقلاب ایدئولوژیک

- «عملیات کردکشی مروارید»

- «احکام اعدام و... زندان و شکنجه و... جلوگیری از آگاه‌شدن از سیر وقایع سیاسی و تعقیب و مراقبت اعضا در درون سازمان»

- «مسعود و مریم در تمام طول جنگ در اردن بودند»

- «گروههای ضربت، احکام اعدام، کوفی‌خواندن، کتک و فحش، قطع حیره زندانیان و شیر اطفال و کتک‌زدن دستجمعی اسرا»

- «آدرس و نشانی قرارگاه را به امپریالیسم داده بودند که آن‌جا پادگان عراق نیست»

- «توطئه قتل علی زرکش توسط رجوی»

- «رجوی از آن جهت بیشتر خائن است که نظام اخلاقی خانواده را گسیخت و ارزشهای آنرا زیر پا گذاشت و حرمت‌های آن را شکست»

- «هر زن و یا شوهری قبل از این که همسران یکدیگر باشند، همسران رؤسای تشکیلاتی خود بودند»

- دریافت «پول مقرری‌های دول و شیوخ آن دیار»

- «خط وابستگی و جدایی از مردم... وقتی ارتش آزادیبخش به اعتبار جنگ ایران و عراق تشکیل می‌گردد» ...

و سرانجام: «رجوی باید در یک دادگاه عمومی به خلق ایران و خانواده شهدا» جواب بدهد!

در باره گدهای ساواک آخوندی

با مختصر دقت در خط سیر و ابتدا و انتهای گدهای ارتجاع خون‌آشام که بیش از یک دهه است توسط بلندگوهای خود رژیم و مزدوران و همدستان رنگارنگ آن تکرار و نشخوار می‌شود، به سادگی می‌توان فهمید که اینان شرح «خیانتها»ی رهبری مقاومت مسلحانه انقلابی را از ۳۰ خرداد و معرفی آلترناتیو شورای ملی مقاومت و تشکیل ارتش آزادیبخش و «زدوبند با امپریالیستها» شروع می‌کنند و پس از تخلیه انواع و اقسام کلمات و عبارات لومپنی بر سر روابط بیرونی و درونی مجاهدین و لجن‌پراکنی علیه عملیات ارتش آزادیبخش به گُردکشی و داستان ۱۵۰۰ زندانی و دست آخر هم به ضرورت محاکمه رهبر این مقاومت می‌رسند.

از رادیو تلویزیون و مطبوعات رسمی رژیم یا جزوات سپاه پاسداران و اطلاعیه‌های شاگردجلاد اوین گرفته تا دیگر بریده - مزدوران و خیانتکاران جملگی همین مسیر را می‌روند و به هنگام چفت‌شدن با ساواک آخوندی دقیقاً در همین راستا به یکدیگر پیوند می‌خورند.

فلاکت دشمن در برابر مقاومت انقلابی ترهات مضحک ساواک آخوندی هر ناظر بی‌طرفی را به خنده می‌اندازد. در تبلیغات آخوندها به نحو «معجزه‌آسا»ی در آن واحد، هم می‌توان با عراق و در عراق بود و هم با کویت و در کویت و هم با آمریکا در عین اشتغال به سرکوب اکراد و شیعیان! بگذریم که پس از آن چه بر سر کردهای ترکیه آمد بر همگان روشن شد که برای مجاهدین و ارتش آزادیبخش از سوی رژیم خمینی چه «چکش و سندان» تدارک دیده شده بود. با این همه آخوندها کماکان می‌نویسند و می‌نویسانند که مجاهدین، هم با ارتش عراق در کویت می‌جنگیده‌اند و هم «از شیوخ آن دیار» پول می‌گیرند! ارتش آزادیبخش هم «زائده» ارتش عراق است و هم آدرسهایش را به «امپریالیسم» داده بود تا بمباران نشود! در عین حال به قول مزدور حائری در تمام دوران جنگ مسعود و مریم در اردن بوده‌اند! (عجالتاً ساواک آخوندی از آلمان و کویت کوتاه آمده است).

از این سفله مزدور خودفروخته باید پرسید که در عین علم و اطلاع از این همه فتنه و فساد و قتل و اعدام در داخل مجاهدین از جمله قتل مجاهد شهید علی زرکش توسط رهبری سازمان یا «وابستگی به عراق و امپریالیسم» - که هیچکدام مطلب جدیدی نیست و رژیم سالها درباره آنها لجن‌پراکنی می‌کند؛ و در بسیاری موارد نیز در نشریات مجاهدین منعکس گردیده است - چه غلطی می‌کرده و چرا سکوت می‌کرده است؟ و اگر هم مطلع نبوده

از آن جا که در جریان بمبارانهای جنگ خلیج فارس فرزندان حائری نیز بنا به تقاضای پدر و مادرشان به اروپا فرستاده شده بودند، نامبرده پس از اطراق در اردوگاه پناهندگی طی نامه‌یی از مجاهدین می‌خواهد که اگر امکان فرستادن خود او را به خارجه ندارند بچه‌هایش را برگردانده و به او تحویل دهند. از سازمان هم‌چنین می‌خواهد که مادر بچه‌ها (خواهر مجاهد مهین نظری) را نیز که با برگرداندن بچه‌ها و مخدوش نمودن درس و زندگی آنها در خارجه مخالف بوده است، متقاعد نماید: بازگرداندن بچه‌ها به عراق پس از طی سلسله مراتب قانونی در آلمان و در دوایر وابسته به ملل متحد انجام می‌شود و آنها با اطلاع شعبهٔ کمیساریای عالی پناهندگی در عراق به پدرشان تحویل داده می‌شوند. اما متأسفانه بعد از یکماه بچه‌ها را با نامه زیر در جیبشان در برابر یکی از پایگاههای مجاهدین رها نموده و خود متواری می‌شود.



بچه‌ها با اطلاع و تحت نظر شعبهٔ ملل متحد به مادرشان برگردانده می‌شوند و متعاقباً از سوی مجاهدین به آلمان فرستاده می‌شوند. شایان یادآوری است در مدتی که حائری در اردوگاه پناهندگی بسر می‌برده، مجاهدین از هیچ کمک‌ی به او دریغ نکرده‌اند. اما گزارشهای متعددی پیرامون وضعیت و ارتباطات مشکوک او با ایادی سفارت و ساواک آخوندی در همان ایام نیز وجود داشته است.



با پوزش از خوانندگان عزیز «مجاهد» برای یادآوری گند گاو چاله دهانیهای آخوندی که از فردای به قدرت رسیدن ارتجاع خمینی به هنگام چماقداری و حمله به ستادها و دفاتر مجاهدین، مدعی کشف وسایل و صحنه های فساد در پایگاهها و خانه های مجاهدین می شدند، ناگزیر کلیشه مقابل را هم از همین لجن نامه مورد تبلیغ ارگان ساواک آخوندی در خارج کشور به اطلاع می رسانیم. تا معلوم شود که بریده - مزدور مورد بحث، چگونه با لومپنیسم نشریه «منافق» که به دستور خمینی توسط بهشتی و حزب چماقداران (جمهوری اسلامی) منتشر می شد، سراپا عجین شده است:

=====

نمونه اراجیف اسلاف مزدوران تازه به دوران رسیده وزارت اطلاعات علیه مجاهدین و سابقه افشای برخی از این توطئه ها توسط مقاومت

نشریه مجاهد شماره ۲۹۹ - ۲۰ اردیبهشت ۷۲ - ص ۱۶

کیهان هوایی - ارگان ساواک آخوندی در خارج کشور - در تاریخ ۱۵ اردیبهشت، از قول «یکی از بریدگان سازمان مجاهدین» به افشاگری پیرامون «انحرافات حاکم بر فرقه رجوی» پرداخته است. که کلیشه آن را عیناً در همین صفحه ملاحظه می کنید.

انجمن هواداران مجاهدین در آمستردام نزدیک به ۶ ماه پیش در اطلاعیه ۱۰/آذر/۷۱ خود که عیناً در همین جا کلیشه شده و در همان ایام در بولتن خبری شماره ۲۳۲ انجمنهای هوادار مجاهدین در خارج کشور منتشر شده بود، سوابق این مزدور را افشا نمود و از ارتباطات آلوده وی با مأموران ساواک آخوندی پرده برداشت.

اما ساواک آخوندی در موقعیتی است که ناگزیر از مصرف دوباره برگهای سوخته است. از این رو چنان که در کلیشه کیهان هوایی ملاحظه می کنید، بریده مزدور مزبور را «۱۵ سال عضو فعال سازمان مجاهدین» جلوه می دهد. برای بورکردن ساواک ابله آخوندی ناگزیر کلیشه هایی از خط و امضای مزدور جدیدالاستخدام را در مقابل چشم آنها می گذاریم و این ما را از توضیح بی نیاز و شدت افلاس ساواک آخوندی را هم به خوبی برملا می کند:



*لینک به کتاب فراقنی های بلاهت بار ... «مشکلات کرگدن سیب زمینی خوار و گربه ی گندیده در مرکه ی وقاحت

نوشته: کاظم مصطفوی (حمید اسدیان)»

*لینک به سند P.D.F